تیتر روز

رئیس‌جمهور: مردم سال سختی را گذراندند و می‌گذرانند

مردم: وامیدواریم نخواهیم گذراند!

رئیس‌جمهور: منابع دولت محدود اما صبر مردم نامحدود است

مردم: نامحدوده یعنی هیچ‌وقت تموم نمیشه؟!

خدادادعزیزی: فضای ورزشگاه‌ها برای خانم‌ها بهتر از پارک‌ها و خیابان‌هاست / خبر ورزشی

اقلا تو ورزشگاه دیگه کیف‌زنی و گوشی‌قاپی و اینا نیست دیگه!

رئیس بانک مرکزی: برای حفظ ظاهر پول ملی ناچار به حذف چهار صفر هستیم

دارکوب: کاش این‌قدر که به ظواهر اهمیت میدین، به فکر باطنش هم بودین!

میرباقری، معاون سیما: طبق آخرین نظرسنجی انجام‌شده، بالای ۸۰ درصد مردم برنامه‌های تلویزیون را دنبال می‌کنند

و زیرلب می‌گویند: واستا اگه جرئت داری... مگه گیرم نیفتی!

وزیر راه: گران‌فروشی بلیت هواپیما فراوانی ندارد / انتخاب

خلبان به شاگردش: پسر صندلی‌ها رو نزدیک‌تر بچین... آقای وزیر ناراحتن که فراوانی کمه!

با خانمان

حیات جاودانه فامیل‌های دور

زهرا فرنیا | طنزپرداز

درسته که هیچ‌وقت توی هیچ درسی هیچ چیز خاصی نشدم اما عزمم رو جزم کردم بزنم توی کار کیمیاگری و بالاخره این آب حیات و معجون جاودانگی رو کشف کنم، یا حتی اگه لازمه اختراع. نه برای خودم ها! من که همین بیست و اندی سالم بسمه. (وای اگه بعد از چاپ این متن بمیرم چقدر معروف میشم!) می‌خوام برای مصارف بشر دوستانه استفاده‌ش کنم. به‌خصوص روی فامیل‌های دوری که تا به‌حال دوبار هم ندیدمشون. آقا این فامیل‌های دوری که می‌ذارن بعد از هشتاد و شش سال یهویی توی یه شهر دیگه می‌میرن اونم تو تابستون، واقعا چه فکری پیش خودشون می‌کنن؟ یعنی نمیگن جدا از غم و اندوه فوتشون، ما باید کلی پول بنزین بدیم تا اون‌جایی که مراسمشونه بریم؟ بعد چون بیشتر از این نمی‌خوایم پول بنزین بدیم، کولر هم نتونیم بزنیم و هی شیشه‌ها رو بدیم پایین باد بپیچه لای دندون‌ها و فک و آواره‌مون. بعد که رسیدیم به مقصد ندونیم کدوم یکی از این ده دست لباس مشکی رو که آوردیم بپوشیم. لباس دانشگاه و رنگ‌های دیگه هیچی، فقط ده دست لباس مشکی براتون میخرن چون معتقدن فرصت‌ها رو میشه توی مراسم ختم شکار کرد. اما چون از تنهایی چاق شدیم (بله. مایی که هوا می‌خوریم، چاق می‌شیم، تنهایی هم بهمون فشار میاره چاق می‌شیم) انتخاب چندانی برامون نمی‌مونه.

خلاصه همه این تمهیدات اندیشیده میشه و از بادی که توی ماشین توی صورتمون خورده، لب و دهن حسابی گشاد شده و نیش‌مون توی مراسم ختم بازه. تیر آخر هم اون‌جاست که میایم تسلیت بگیم، تبریک می‌گیم و این همه راه رو سر هیچی اومدی. بعد هم تصنعی میگن: «ایشالا توی شادی‌هاتون جبران کنیم!» شادی رو باید بسازین یا نه؟ همینه که می‌خوام معجون جاودانگی رو بسازم و هدیه بدم به فامیل‌های دور دیگه. انقدر بشر دوست دیده بودین؟

کارتون روز

گرد و غبار این روزها و تاثیر آن بر کار و زندگی مردم!

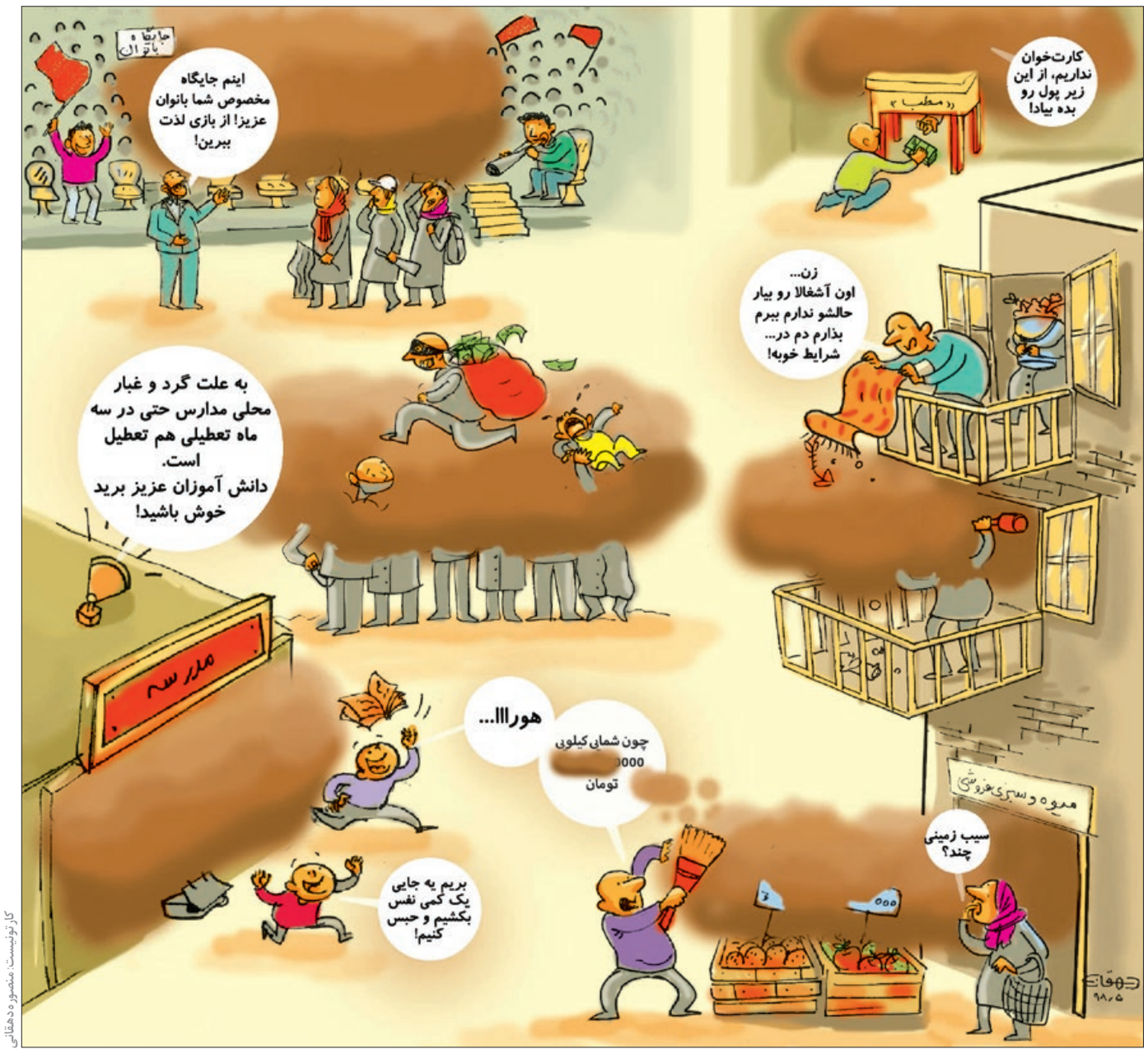

کار: تونیست: منصور دهقانی

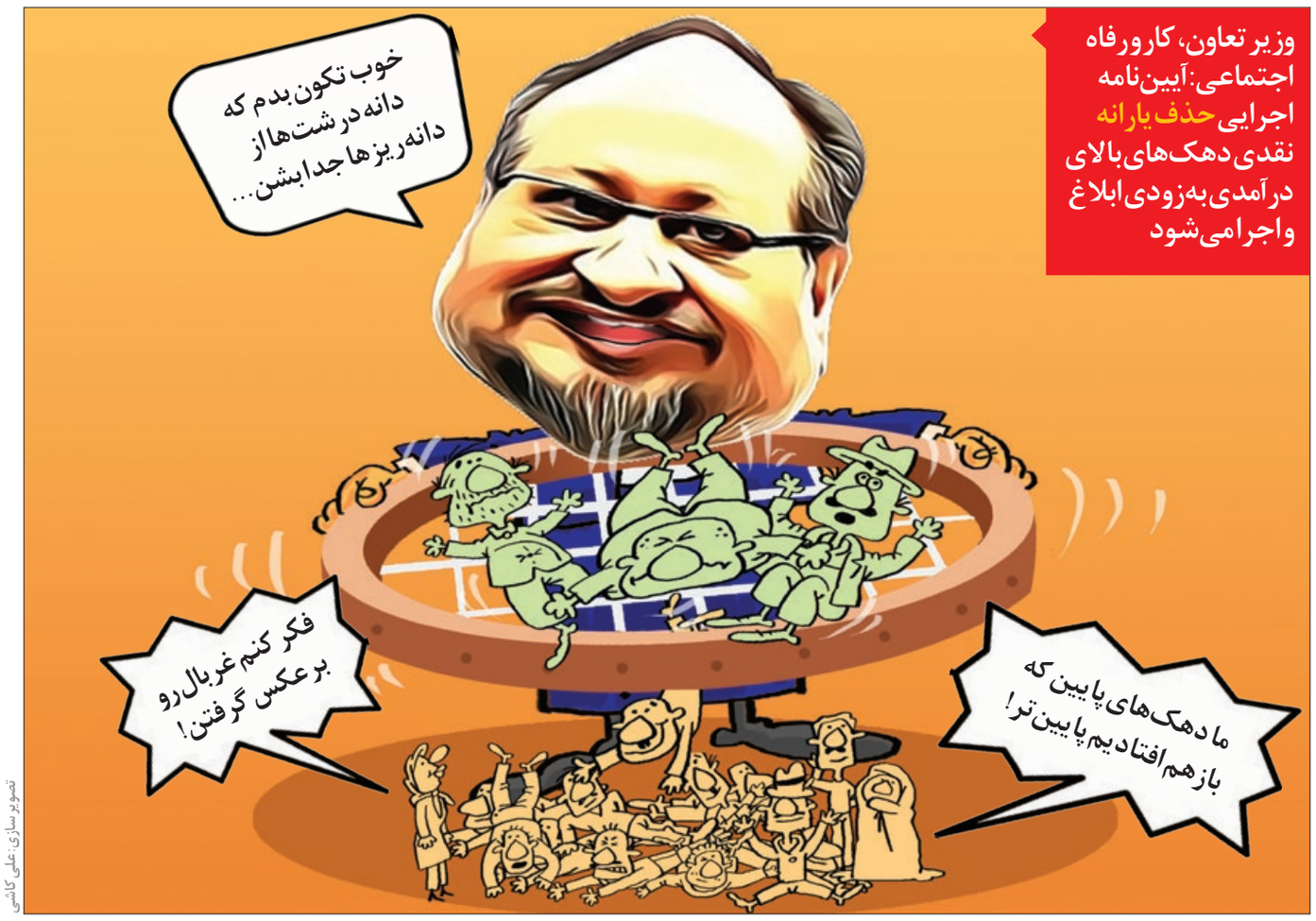

تصویرسازی: علی کاشی

شعر روز

روز خبرنگار مبارک!

گردنش از تار مو نازک‌تر است
کیف او از گردنش لاغرتر است
پس خدا قوت، خجسته روزشان
گرچه زحمت‌کش... که بی‌زور و زر است!

***

سیم آخر مبارزه با نرخ تورم

ناگهان یک فن برتر می‌زنند
جانمی جان، صفرها پر می‌زنند
بعد از این نرخ تورم بشکند
جیب‌مان را هم که کمتر می‌زنند!
حل شود هر مشکلی با حذف صفر
ثروت و مکنت ببین در می‌زنند
می‌شماری اختلاس تازه را
چاق نه، یک نرخ لاغر می‌زنند
چون نباشد چاره‌ای از ریشه پس
دست بر یک کار دیگر می‌زنند
کاش می‌شد صفر کالا پر کشد
رو کشی بر چرخ پنچر می‌زنند
خب خدا قوت برای راه حل
با چنین فن، سیم آخر می‌زنند!

سحر بهجو

کله چغوکی

آق کمال خیلی کمک می کند!

آق کمال | همه کاره و هیچ کاره

از بچگی علاقه عجیبی داشتُم که به همه کمک کنم. اگر هم گاهی مخواستُم از زیر کار دربرُم، همه چیز دست به دست هم مداد تا مو ره برگردونن تو ای راه. نمونه جدیدش پریروز بود. عمه عیال که سال‌ها تو یَگ تعاونی مسکن ثبت‌نام کرده بودن و هی پول مریختن به حساب‌شان، بالاخره خانه ره تحویل‌شان دادن. حالا او زمان که ثبت‌نام کرده بودن بچه‌هاشان خُرد و بودن، الان که تحویل دادن همه عروس و داماد شده بودن و رفته بودن ای بر و اوبر و خود عمه جان و شوهرش مثل عروس و داماد رفتن تو خانه! قضیه هم ای جوری بود که بهشان گفته بودن بلوک ۲، واحد ۳ مال شما، برن خوش باشن. اینایم با ذوق و شوق همه فامیل ره خبر کردن و چون کل فامیل او روز کار داشتن، فقط مو با ای دیکس کمرم و عیال تنستِم مرخصی بگیرِم و برم تو اسباب کشی به ای بنده خداها کمک کنِم. کاش فقط اسباب کشی بود، عیال پیله که اینا بچه‌هاشان نیستن و دست تنها نمتنن خودشان تمیز کاری کنن. مویم که «نه» تو دهنم نیست و همی شد که قبلش هم رفتِم خانه‌شانه شستِم و سابیدم و برق انداختِم.

عصری کم کم سر و کله مهمونای آماده‌خور پیدا شد بری خانه‌نویی. خسته و کوفته نشسته بودم که دیدم یکی زنگ زد به شوهر عمه‌جان و اویم زد زیر خنده. گوشی ره که قطع کرد گفت: «بچه‌ها یه چیز جالب بگم بخندین؟» مایم که از صبح در حال جون کندن بودم مصیبت گرفتِم که قراره به جوک‌های شوهرعمه بخندِم که گفت: «رئیس هیئت مدیره بود، گفت آپارتمان شما بلوک ۳ واحد ۲ بوده و الان باید جمع کنین برین بلوک کناری!» ایم از ای!

خراسان
مرکز آموزش تخصصی رسانه
اعطای مدرک مورد تایید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
ثبت‌نام ترم تابستان
دوبله (مقدماتی)
مجید داوودی
یکشنبه ۱۹-۱۶
۷ جلسه - ۳۸۰ هزار تومان
صداسازی و مقدمات آواز
میلاد قنبری
۳ جلسه عمومی پنجشنبه ۱۴-۱۲
و ۷ جلسه خصوصی نیم ساعته
۶۰۰ هزار تومان
مجری گری (مقدماتی)
مرتضی ملتجی
سه‌شنبه ۱۸-۱۶
۸ جلسه - ۳۴۵ هزار تومان
گویندگی رادیو
شهرام رفوگران
مقدماتی: شنبه ۱۸-۱۶
۱۲ جلسه - ۳۴۵ هزار تومان
پیشرفته: دوشنبه ۱۸-۱۶
۱۲ جلسه - ۳۸۰ هزار تومان
آشنایی با نرم افزارهای صدابرداری
حجت تقدمی
سه‌شنبه ۲۰-۱۸
۵ جلسه - ۲۰۰ هزار تومان
تولید پادکست و محصولات صوتی
مصطفی اعلمی
یکشنبه ۱۸-۱۶
۶ جلسه - ۲۱۰ هزار تومان
فن بیان و ارتباط موثر
مرتضی ملتجی
مقدماتی: شنبه ۱۶-۱۴
۱۲ جلسه - ۳۴۵ هزار تومان
پیشرفته: دوشنبه ۱۶-۱۴
۱۲ جلسه - ۳۸۰ هزار تومان
دوبله کودک و نوجوان
فرزانه امیدوار
شنبه ۲۰-۱۸
۸ جلسه - ۲۳۰ هزار تومان
دپارتمان دوبله و گویندگی
Dubbing & Voice Acting Department
مدیر دپارتمان: محمدرضا لبیب
ثبت نام حضوری و تلفنی: مشهد | بلوار شهید صادقی (سازمان آب) | صادقی ۱۸ - شماره ۲۵ | تلفن: ۳۷۰۰۹۲۲۵ | ساعت پاسخگویی: ۱۸-۱۰ | ثبت نام اینترنتی: www.edu-kh.ir
۹۸۰۶۳۸۸۳/م